



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



امام مهدی

علیه السلام

از منظر صدر المتألهین

حسین علی سعیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام مهدی از منظر صدر المتألهین

نویسنده:

حسین علی سعدی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام مهدی از منظر صدرالمتهین
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	اضطرار به وجود حجت
۶	اشاره
۶	معنای حجیت امام
۷	ضرورت حجت
۷	اشاره
۷	ادله عقلی
۷	علت غایبی
۷	برهان امکان اشرف
۹	ضرورت هدایت و استکمال نوع انسان
۹	ادله نقلی
۱۱	پیوستگی و همیشگی حجت
۱۲	شبهات
۱۲	اشاره
۱۲	طول عمر حضرت
۱۳	فایده امام غایب
۱۴	پاورقی
۱۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام مهدی از منظر صدرالمآلهین

مشخصات کتاب

نویسنده: حسین علی سعدی

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مقدمه

«عالمان»، مرزبانان کیان عقیدتی امت و حافظان گوهر انسانی در برابر شبهات و شهوات اند و راز و رمز عظمت آنان از منظر دین و در نگاه مردم، در همین نکته نهفته است. تکریم «عالم» ارج نهادن به انسانیت و احترام به حقیقت است و ارج و اوج هر فرهنگ و مکتبی، وامدار عظمت و عمق فکری و صمیمیت و صداقت عالمان آن است. تلاش همه فرهیختگان در اعتلای فرهنگ بشری، ممدوح و مقبول است. در این میان مکتب اسلام و تاریخ مسلمین، با برخورداری و حفظ و بقای گوهر دین و مصون ماندن از تحریف، به مدد الهی و به جدّ و جهد امامان و عالمان دینی، و نیز دعوت قرآن به تفکر و خردورزی، شاهد نشو و رشد متفکران سترگی بوده است آنان با همت دانش و بینش خود، معارف دینی را تحقیق و حقایق آن را اثبات نموده اند. نام ملاصدرای شیرازی در صدر این عالمان بزرگ قرار دارد که دین را عاقلانه و عارفانه شناخته و ترویج نمود و مبانی و مبادی آن را با برهان و بدون تکیه بر خیال و خرافه، استحکام بخشید. وی فیلسوف دینداری است که دین را با خردورزی توأم نمود؛ نه این که متفکر نمای بدون تعلق دینی و یا دین داری جاهل باشد که دین را مجموعه‌ی خرافی، احساسی و عوام فریب بداند. حکمت متعالیه در کنار برهان، از اشراق و عرفان هم سود برد و تعلق را با تعقل در آمیخت و تکیه‌ی محض و اعتماد بی چون و چرا بر پای چوبین استدلال نداشت. معارف حقه دینی را با خرد متعالی و عرشی، هماهنگ و هم زیست کردن، هم خدمت به ساحت تفکر بشری و هم خدمت به حوزه‌ی تدین و جامعه دین باوران است. بر این اساس تجلیل از حکیم متأله مرحوم ملاصدرای، در هر دو حوزه و به هر دو انگیزه لازم است. یکی از مسائل عقیدتی که در منظومه فکری شیعه، چون خورشید تابناک می درخشد و بالندگی، پایندگی، زندگی و طراوت شیعه مرهون آن است؛ اعتقاد به نظام «امامت و مهدویت» است. عالمان بزرگی در تحقیق و تحکیم این مهم، تلاش نموده اند که از جمله آنان صدرالمآلهین شیرازی است. در این نوشتار آراء و نظرات این حکیم الهی در باب امامت به ویژه مهدویت بررسی شده و از اندیشه و تلاش فکری وی استفاده گشته است. حکیم نامور شیعه در کتاب های گوناگون خود، مباحث «امامت و مهدویت» را طرح کرده که با یک نظام خاص و دارای چینش منطقی، در این نوشتار طرح و بررسی می شود.

اضطرار به وجود حجت

اشاره

تفسیر و تحلیل واقعی «حجت» و به عبارت دیگر تصوّر صحیح آن، زیربنای تصدیق ضرورت آن در نظام آفرینش است، بدون فهم صحیح حجت و درک معنای «حجیت امام و نبی»، نمی توان به ضرورت یا عدم ضرورت آن حکم کرد.

معنای حجیت امام

ملاصدرا (ره) در بیان این نکته نویسد: انسان در آغاز تولد خود، حیوانی بسان حیوانات دیگر است که جز خوردن و آشامیدن نمی

داند؛ سپس با رشد جسم باقی صفات نفس از شهوت و غضب برایش حاصل می‌شود. تا این جا انسان، حیوان راست قامت است و با بقیه حیوانات تمایزی ندارد. «فلومات علی هذه الحاله لم یکن له فی الاخره حیوه مستقره ولاحساب ولا کتاب ولا ثواب ولا عقاب ایضاً اذ العذاب والشقاوه فرع الشعور بالسعاده التي فی مقابلها». [۱]. بدین جهت، این انسان نه مستحق ثواب است و نه مستحق عتاب؛ چرا که شقاوت عدم ملکه است و تا سعادت تصور نشود و امکان نیابد، آن هم معنا نمی‌یابد. حیوان مستوی القامه، به واسطه حجت به حیات انسانی قدم می‌گذارد و در مسیر ثواب و عقاب قرار می‌گیرد، نقش و معنای حجت در زندگی این است که انسان را وارد زندگی و حیاتی فراتر از حیات حیوانی می‌کند. «اذ تبین هذا فنقول: معنی کون النبی او الامام حجه لله علی العباد، ان طاعته یوجب استحقاق الرحمه و الجنة و النعم و ان عصیانه یوجب استحقاق الغضب و العذاب و عندالرفع لا یستحقون ثواباً ولا عقاباً». [۲]. حجت بودن امام، به معنای این است که بدون او، ثواب و عقاب منتفی است و ثواب و عقاب؛ یعنی، فعلیت یافتن قوه ای انسانی، بر این اساس امام ملاک و عامل فعلیت یافتن انسان است و بدون آن، حیات انسانی قابل تصور نیست.

ضرورت حجت

اشاره

با چه دلایلی اثبات می‌شود که وجود حجت در حیات بشر، امری ضروری است؟ ملاصدرا(ره) برای اثبات این نکته ادله و شواهد عقلی و نقلی متعددی بیان می‌کند که در دو حوزه جداگانه بررسی می‌شود:

ادله عقلی

علت غایی

بیان آن «العلّه الغائیه التي لاجلها الشیء» [۳]؛ یعنی، علت غایی گرچه در وجود مؤخر باشد اما فاعلیت فاعل به آن بستگی دارد: نظام هستی برای انسان کامل خلق شده است و این سخن حکیمانه شیخ الرئیس، از منبع وحی برخاسته که: «الحمد لله الذی خلق الانسان وخلق من فضاله طینته سائر الاکوان». [۴]. چرا که تمام هستی، ظل وجودی انسان محسوب می‌شود: «لان النبات ظل نباتیه و السباع و البهائم اظلال غضبه و شهوته و الشیطان ظل نکراه و مکیده». [۵]. بر این اساس اگر علت غایی نباشد، فاعلیت نمی‌یابد و فعل نیز بدون علت غایی، وجود و بقایی ندارد. ملاصدرا(ره) ضمن تأکید بر این مهم، ضرورت وجود امام را بدین جهت موجه می‌داند و قائل است که این ضرورت را در وراى احتیاج مردم به راهنمایی امام، باید در نیازمندی تمام هستی به وجود امام جست. «ان وجود النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) و الامام لیس بمجرد ان الخلق محتاجون الیه فی اصلاح دینهم و دنیاهم و ان کان ذلك مترتباً علی وجوده ضروره، بل انما قامت بوجوده الارض و من فیها لکون وجوده الکونی عله غائیه لوجودها، فلا تقوم الارض و من فیها لحظه الوجود الانسان الکامل». [۶]. قوام زمین و آسمان و کل هستی، به جهت وجود عنصری امام است و وجود امام، علت غایی وجود هستی است. بر این اساس حتی یک لحظه، هستی بدون امام و انسان کامل باقی نمی‌ماند و این نکته مفاد حدیث شریف ذیل است که امام باقر فرمود: «لو ان الامام رفع من الارض ساعه لماجت باهلها». [۷]. ملاصدرا در شرح آن می‌گوید: «وان هذا الحدیث علی حقیقه مآثر ذکره منّا» [۸]؛ یعنی، این حدیث حقیقی را که ذکر کردیم، بیان می‌فرماید.

برهان امکان اشرف

بیان آن «ان الممكن الاشراف يجب ان يكون اقدم من الممكن الاخس و أنه اذا وجد الممكن الاخس فلا یتد ان يكون الممكن الاشراف منه قد وجد قبله».[۹]. مفاد برهان امکان اشرف این است که وجود یافتن موجودات اخس و فیض گیری آنها از منبع فیاض علی الاطلاق، به جهت و از طریق موجود اشرف است. مقصود در این بحث، تقریر برهان امکان اشرف نیست؛ بلکه نکته قابل توجه تطبیق آن بر امامان معصوم (علیهم السّلام) و استفاده ضرورت حجّت از آن می باشد. طبق این بیان، آنان موجودات اشرف هستی و علت و مجرای فیض دهی به تمام کائنات اند، این موجودات حاکی از موجود اشرف و ضرورت آن در هستی اند. بنابراین باید گفت وجود انسان کامل و حجّت و امام ضرورت هستی است. اشکالی که مهم به نظر می رسد، در تطبیق این قاعده بر امامان معصوم (علیهم السّلام) است؛ چرا که ما در این استدلال، وجود آنان را اشرف از سایر موجودات - ولو بقیّه انسان ها - دانسته ایم و روشن است منظور از اشرف در بودن، اشرف فلسفی و وجودی است؛ یعنی، موجود اشرف با موجود اخس، باید فرق کند و می دانیم افراد نوع واحد، مماثل اند و تقدّمی بر یکدیگر ندارند. از این رو تقدّم و اشرف بودن ائمه (علیهم السّلام) بر سایر انسان ها، اشکالی است که در تطبیق این قاعده به نظر می رسد اگر وجود نبات را اخس از وجود حیوان می دانیم، صحیح است، اما چطور می توان فردی از حیوان را اخس از فرد دیگر دانست و وجود دیگری را شدیدتر و اشرف تلقی کرد. حلّ این نکته بسیار کارگشا است و تطبیق امکان اشرف را خالی از اشکال می کند. ملاصدرا (ره) این مهم را بیان کرده و این استفاده را از اشکال، عاری نموده است. وی متذکر این نکته مهم می شود که مماثلت امامان و بقیّه انسان، صرفاً در جسم و وجود عنصری آنان است و بر حسب نشأه، روحانی، آنان از شجره و مقوله دیگری اند. نوع آنان با نوع بقیّه انسان ها متفاوت است و قلیلی از انسان ها، به نطق می رسند و تمایز وجودی پیدا می کنند. بر این اساس، نوع ائمه هدی و سایر انسان، متفاوت است و اشکال یاد شده بر تطبیق برهان امکان اشرف وارد نیست. ملاصدرا می نویسد: «اگر کسی بگوید امام و سایر مردم از نوع واحدند و افراد نوع واحد، مماثل اند و بر این اساس تقدّمی بر یکدیگر ندارند و برهان امکان اشرف تطبیق نمی کند؛ در پاسخ می گویم: «هیئات انما المماثلة بین افراد البشر بحسب المادة البدنیة»؛ یعنی، مماثلت بین افراد بشر بر حسب ماده ی بدنی و نشأه ی طبیعی است؛ قبل از آنکه نفوس ساده از قوه به فعلیت برسند اما بر حسب نشأه روحانی، این گونه نیست و مماثلتی در کار نمی باشد.» اما بحسب النشأه الروحانیة فهی واقعه تحت انواع کثیره لاتحصی وقوله تعالی انما انا بشر مثلکم انما هو بالاعتبار الاوّل دون الثانی فنوع النبی (صلی اللّٰه علیه وآله وسلّم) و الامام نوع عال شریف اشرف من سایر الانواع فنسبه نوع الحجّه الی سایر البشر فی رتبه الوجود کنسبه الانسان الی سایر الحیوان».[۱۰]. بر حسب نشأه روحانی. انسان جنس و دارای انواع کثیره ای است و این که قرآن به پیامبر اکرم (صلی اللّٰه علیه وآله وسلّم) می فرماید: بگو من بشری مثل شما هستم، به اعتبار نشأه طبیعی و ماده بدنی است؛ ولی به اعتبار وجود نورانی و روحانی نوع امام و نبی ممتاز از سایر انواع انسانی و اشرف از آنها است؛ چنان که نوع انسان از سایر حیوانات اشرف است. بر این اساس و با این توضیح ایشان، می توان گفت امامان (علیهم السّلام) ممکنات اشرفی اند که واسطه در خلقت هستی می باشند.[۱۱]. این گونه است که «بکم فتح الله» و «السابقون دهرًا» فهمیده می شود پس اینکه معصومین (علیهم السّلام) فرموده اند: «نحن السابقون اللاحقون»؛ یعنی، به روحانیت کلیه شان، و سالیط فیض هستی اند [۱۲] و هستی محتاج هستی آنان است و ضرورت «حجّت» فهم می شود. نکته: تاکنون «ضرورت امام»، از منظر دو دلیل عقلی «برهان غایت» و «بودن امکان اشرف» بررسی شد. ملاصدرا این نکته ها را نیز از روایات استفاده می کند. اینکه فرموده اند «حجّت» قبل از خلق است، اشاره به این دارد که وجود ائمه (علیهم السّلام) اشرف و واسطه در ایجاد خلق و فیض رسانی به هستی است: «فهی قبل الخلق من حیث کونها واسطه فی ایجاد الخلق».[۱۳] و اینکه فرموده اند: حجّت بعد از خلق است، منظور این است که حجّت غایتی است که تمام جسمانیات به او منتهی می شود: «وبعد الخلق من حیث کونها من الغایات التي ینتهی الیها الجسمانیات».[۱۴].

ضرورت هدایت و استكمال نوع انسان

از جمله ادله ای که می توان بر ضرورت حجّت اقامه نمود، طرح مسأله ی نظام احسن خلقت و تعلق گرفتن عنایت باری تعالی به ممکنات است که زمینه تحصیل فعلیت و به غایت رسیدن آنان را فراهم می کند. از مطالب پیشین نیز روشن شد که انسان، فقط در سایه حجّت به فعلیت می رسد و در صورت نبود حجّت، گویا عنایت باری تعالی شامل این نوع شریف نبوده و به نوعی محدودیت - که با ذات و ناسازگار است - دچار شده است. ملاصدرا انسان را مدنی بالطبع می داند و زندگی مدنی، عوارض طبیعی چون مشاجره و تخاصم دارد. این تنازعات را اگر خوش بینانه بنگریم، برخاسته از تنوع طبایع و ذاتیات و اختلاف فهم افراد انسانی است، برای فعلیت یافتن و بقا و استمرار حیات مدنی، قانونی آسمانی لازم است؛ چرا که انسان - که خود مثار و منشأ اختلاف است - نمی تواند آن را برطرف کند از طرفی تکثر فهم های بشری - که ناشی از محدودیت آن است - نمی تواند با اعتماد کامل به خود و مصون ماندنش از خطا بدون یک فهم ممتاز و یک ملاک برای تشخیص صحت و سقم خود، هدایت جامعه را برعهده گیرد. این نکته از مناظره ی هشام استفاده می شود که خدای متعال در وجود انسان حواسی و فهم های مختلف نهاند؛ اما برای جلوگیری از خطای حواس، «قلب» را خلق نموده که کنترل کننده ی حواس و میزان برای خطاسنجی آن باشد. امام نیز برای تصحیح افکار انسان ها و هدایت شان، در مواقعی که خودشان از شناسایی مسیر عاجزند، ضرورت دارد. حیات جمعی بشر و فعلیت یافتن و کمال انسان - که ضرورت هستی و مقتضای عنایت باری تعالی است - مقتضی وجود حجّت در عرصه ی حیات بشری است. [۱۵].

ادله نقلی

شرع مقدس نیز به گونه های مختلفی، ضرورت حجت را در هستی و نظام آفرینش، بیان فرموده است و آیات و روایات متعددی در این باره وجود دارد که ملاصدرا(ره) در تفسیر گران سنگ خویش بر قرآن مجید و شرح اصول کافی متعرض آن شده و ما نمونه های را نقل می کنیم. ۱. ایشان در تفسیر آیه شریفه (ثم قفینا علی آثارهم برسنا و قفینا بعیسی بن مریم و آتیناه الانجیل) [۱۶] می فرماید: «ان هذه الایه حجه علی عدم خلّو الزمان عن یقوم به حجه الله علی خلقه اذ علم انه بهذا جرت سنه الله من لدن آدم و نوح و آل ابراهیم الی وقت نبینا (صلی الله علیه و آله و سلّم) ولن تجد لسنه الله تبدیلاً» [۱۷]. آیه ی شریفه سنتی از سنن الهی را بیان می کند و بر نصّ قرآن، سنت الهی تحویل و تبدیل ناپذیر است سنتی که رسولان الهی، پیوسته در جامعه بشری حضور داشته اند (ثم ارسلنا رسلنا تتری) و این سنت، مقتضی وجود حجت در هر عصر و زمانی است و در عصر ما هم حجت الهی، طبق سنت الهی وجود دارد. نکته ای که ممکن است طرح شود این است که سنت الهی، در قالب فرستادن رسولان تحقق یافته و می دانیم نبوت با وجود حضرت ختمی به پایان رسیده است؛ پس استمرار آن چگونه است؟ ملاصدرا مطلب عالی و برجسته ای را بیان می کند که قوام حجت الهی به «ولایت» او است و نبوت از شوون ولایت است. و این معنای فقره دیگر حدیث شریف است که می فرماید: «فهی مع الخلق»، حجّت همراه مردم است تا با نور او نوع بشری به استكمال برسد و سبیل قدسی فعلیت یافتن خود را طی نماید. «فهی مع الخلق لتکون حجه لهم و نوراً یهتدون به فی ظلمات احوالهم الی طریق الاخره و سبیل القدس» [۱۸]. بر این اساس سه فقره حدیث اشاره به سه استدلال عقلی بر ضرورت «حجت» دارد. «قبل الخلق»، اشاره به امکان اشرف و «بعد الخلق»، اشاره به برهان غایت و «مع الخلق» به استدلال سوم مبنی بر لزوم استكمال نوع بشر و عنایت الهی اشاره دارد. آنچه ضرورت هستی و مقتضای سنت الهی است، وجود «ولی الله» در هر زمانی است که گاهی در کسوت «نبوت» و گاهی در کسوت «امامت» تحقق می یابد. «رسالت» جنبه ی ملکی آنان است و نفاد و ختم می پذیرد، اما باطن «نبوت» ۲۲ که «ولایت» است و مظهر و تجلی اسم خدا می باشد و نفاد و ختم ندارد. «لکن النبوه قد ختمت برسولنا و الولایه الی هی باطن النبوه باقیه الی یوم القیامه فلا ید فی کل زمان - بعد زمن الرساله - من

وجود ولی یعبد الله علی الشهود الکشفی من غیر تعلم... و کما ان النبوه و الشریعه قد ختمت برسولنا فالولایه التي هی باطنها تختم باخر اولاده المعصومین و هو الذی یواطی اسمه اسم رسول الله ومعناه معناه وبوجوده اقیمت البلاد ورزقت البلاد وبظهوره یملا الله الارض قسطاً وعدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً» [۱۹]. ایشان ضرورت تداوم حجت و وجود ولایت را - که باطن و گوهر نبوت و مظهر اسم الهی است - از آیه یاد شده استنباط می کنند؛ چنان که این ضرورت و تداوم را از روایت کمیل از امام علی (علیه السلام) نیز، استفاده می کنند. وی روایت مشهور «العلماء باقون مابقی الدهر» را نقل نموده و می نویسد: «ان سلسله العرفان بالله والولایه المطلقه لاتقطع ابداً». [۲۰]. روشن است که این امام و ولی خصایصی دارد و قابل تطبیق بر هر کسی نیست که از جمله آن می توان به «علوم لدنی» او اشاره داشت. «ان من خواص اولیاء الله وحججه ان یکون علومهم و معارفهم حاصله بحدس تام و الهام من الله من غیر تعلم و کسب». [۲۱]. ۲. در بحث ادله نقلی «اضطرار به حجت»، ایشان بیانی تحت عنوان «ان الحججه لایقوم علی خلقه الا بالامام» در شرح اصول کافی دارد. از نظر ملاصدرا (ره)، انسان دارای دو حجت است: حجت باطنی و حجت ظاهری، حجت باطنی، نور الهی است که در نهاد بشر، به ودیعت نهاده شده است و راهنمای انسان در مسیر طولانی حرکتش از قوه ها به فعلیت ها و به سوی کمال است. حجت خارجی و ظاهری، رسولان و سفیران الهی اند. «قد علمت ان الحججه حجتان حجه باطنه و حجه ظاهره اما الحججه الباطنه فهی النور البارق القدسی و اما الحججه الخارجیه فهی الانبیاء بمعجزاتهم الظاهره والائمه بکراماتهم الباهره» [۲۲]. سؤالی که مطرح است، استغنائی بشر از حجت خارجی است؛ اگر انسان دارای حجت باطنی است و در معنای حجت گفتیم که قوه ها را به فعلیت می رساند، دیگر چه نیازی به سلسله عریض و طویل حجت های خارجی است؟ روی دیگر این سکه به گونه ای شبیه معروف براهمه در باب لزوم بعثت انبیا است. ملاصدرا (ره) دو دلیل در بیان وجه عدم اکتفاء به حجت باطنی و این که چرا نمی توان به حجت باطنی اکتفا کرد و مستقل از حجت و امام مسیر را پیمود، اقامه می کند: ۱- کمی واجدین حجت باطنی ۲- محدودیت حجیت آنساده انگاری است که هر حیوان مستوی القامه را انسان و واجد عقل و حجت باطنی بدانیم، حجت باطنی - که عقل فعلیت یافته است - در اوحدی از مردم وجود دارد و آستان رفیع حقیقت محض، بسیار بلندتر از آن است که هر مدعی بتواند بر آن پرواز نماید. «وانت تعلم ان الذی یری فی باطنه و قلبه نوراً من الله وحجه منه الیه، وجود مثله یقع فی قلیل من الناس اقل من کبریت الاحمر ونعم ما قیل: جل جناب الحق ان یکون شریعه لكل وارد او یطلع علیه الا واحداً بعد واحد». [۲۳]. غیرت حق مانع از آن است که اغیار، از او مطلع شوند و ورودی برای هر واردی شود. حجت باطنی که در روایات از آن به «ما عبد به الرحمن» تعبیر شده، کمتر از «کبیرت احمر» است. اگر عقل را به معنای قوه درک کننده و عقل نظری لحاظ بکنیم، روشن است که دایره ی حجیت و اعتبارش محدود است و قدرت دخالت در بسیاری از قلمروها را ندارد [۲۴] و تازه همان حجت باطنی نیز، حوزه ی فعالیتش محدود است و نمی تواند بدون استمداد از حجت ظاهری. تمام مسیر را ببیماید. بر این اساس انسان در عین برخورداری از حجت باطنی، نیازمند راهبری و راهنمایی در حجت ظاهری است و این سخن متکلمان است که می گویند: تکالیف سمعیه، لطف برای تکالیف عقلیه اند [۲۵]، همچنین باید گفت: توفیق حجت ظاهری، مرهون فعال و زنده بودن حجت باطنی است و شروع فعالیت حجج ظاهری، اثره و برانگیختن حجت باطنی است: «لیثروا لهم دفائن العقول». [۲۶]. در صورت اماته یا اغفال حجت باطنی، حجت ظاهری با توفیق رفیق نمی گردد: «انک لن تسمع الموتی». رایت العقل عقلمن فمطبوع ومکسوب ولا ینفع مکسوب اذا لم یک مطبوع کمالاً ینفع الشمس وضوء العین ممنوع [۲۷]. «فالخلق کلهم الا وحداً محتاجون الی حجه ظاهره، ثبت ان لایقوم الحججه لله بعد رسوله علی خلقه الا بامام حتی یرفع الخلق بتعریف الامام» [۲۸]. بر این اساس اضطرار مردم به حجت ثابت می شود. نکته دیگری که مطرح می شود، این است که چه کسی گفته حجت ظاهری باید امام باشد؟ می پذیریم انسان نیاز به حجت ظاهری و خارجی دارد، اما بگوییم آن حجت ظاهری کتاب خدا است و با وجود کتاب، نیازی به امام معصوم نداریم (حسبنا کتاب الله). ملاصدرا (ره) می گوید: کتاب صامت است و بدون امام، حجیت آن فعلیت نمی یابد؛ چرا که قرآن ذی وجوه است. اگر فهم حجت معصوم و امام عدل قرین آن

نشود، دیگران به جهت جهل و...، قدرت استفاده از راهنمایی های آن را به طور کامل ندارند. «ان کتاب الله لا شتمال آیاته علی محکمت و متشابهات و ظواهر و مأولات و نواسخ و منسوخات، لایکفی بمجرده لان یکون حجه الله علی عباد و لایضاً الذین یعدون انفسهم من العلما... الذین یعلمون ظاهراً من الحیوه الدنیا و هم عن الاخره هم غافلون. فالقرآن لایکون حجه من الله علی الخلق الا مع امام من اهل بیت النبوه و الحکمه و هم شقیق القرآن و شریکه». کتاب بدون امام معصوم و اهل بیت نبوت نمی تواند حجت باشد، فلذا، مردم نیاز و اضطرار به حجت ظاهری دارند و حجت ظاهری هم باید «امام معصوم» باشد. کتاب الهی عهده دار این مهم نیست و معرفت حقیقی حضرت حق - جل و علا - برای مردم جز از طریق معرفت امام، حاصل نمی شود. [۲۹]. «انه لایمکن للناس معرفه الله الا من طریق معرفتنا ای من عرفنا فقد عرف ربه [۳۰] فیان حاجه الناس الی الامام الحق من جهه ان طاعتهم لله لاتتم ولا تصلح الا بالمعرفه و التصدیق علی وجه الیقین و ذلك لایمکن الا بالاخذ عن و لاه الامر و ابواب العلم و اهل بیت النبوه». [۳۱]. دیگر آن که اهل سنت خود روایت نبوی مشهور را نقل کرده اند که فرمود: «من مات ولم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه». [۳۲]. در توجیه این کلام گفته اند: منظور از «امام زمانه» کتاب است: «اما رجوعهم الی ان المراد بالامام فی ذلك الحدیث هو الکتاب». ملاصدرا به نقل از فرقه ناجیه، می گوید که این حمل اشکالات متعددی دارد؛ از جمله: ۱. امام به زمان شخص اضافه شده است و این اضافه می رساند که ائمه (علیهم السلام) در زمان های مختلف تبدل می یابند. ۲. اگر مراد از معرفت امام، شناخت کتاب باشد، معرفت کتاب به گونه ای که بر معانی مشکل آن اطلاع حاصل شود، برای کثیری از مردم حاصل نمی گردد و طبق این تفسیر، لازم می آید مرگ اکثر مردم، مرگ جاهلی باشد. [۳۳]. از این رو امام زمانه دلالت بر امام معصوم در هر عصر و زمانی می نماید. و ممّا یدل علی وجود الامام المطاع فی الحکام فی جمیع الازمنه ما تفقت روایته بین الخاص و العام فی قوله (صلی الله علیه و آله و سلم): من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه». [۳۴].

پیوستگی و همیشگی حجت

در خلال مباحث پیشین، روشن شد که «ضرورت حجت» با پیوستگی آن تلازم دارد و همیشگی آن را نیز ثابت می کند، چه ادله عقلی ای که ضرورت حجت را ثابت می دانست و چه ادله نقلی ای که تداوم این جریان زلال را متذکر می شد. «اعنی من هذا الکلام انه کما یجب فی الحکمه بعث الحجه، كذلك یجب فیها استدامه حقیقه الحجه وان النظر الدقیق یوّدینا الی دوام الحجه فانه اصل کاصل وجود الحجه اکانت فی صوره النبوه ام کانت فی صوره الامامه المعصومه». [۳۵]. حکمت الهی چنان که اصل حجت را لازم می داند، استدامه و بقای این مهّم را نیز لازم و ضروری می داند و باطن نبوت (ولایت) برای همیشه باقی است. ملاصدرا از ابن عربی نقل می کند: «ان النبوه قد انقطعت کما قاله رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و ما انقطعت الا من وجه خاص انقطع منها مسمى النبی و الرسول... اما الاولیا فلهم فی هذه النبوه مشرب عظیم». [۳۶]. و خود نیز متذکر می شود: «بل ما خلا الارض عن النبوه الباطنیة الا النبوه التشریح و اطلاق الاسم و ما انقطعت الرساله و الوحی الا من وجه خاص». [۳۷]. بعد از دوران پیامبر ختمی مرتبت، وحی رسانی قطع و عنوان «نبی تشریحی» بر کسی اطلاق نمی گردد؛ چون که خود حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «لا نبی بعدی»؛ اما نه تنها ولایت - که باطن و گوهر نبوت است - قطع نشد. که نسبت به ولایت گذشتگان، شدیدتر و بیشتر گردید. ملاصدرا (ره) روایتی را نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «ان الله عباداً لیسوا بانبیاء یغبطهم النبوه»؛ «خدا بندگانی دارد که نبوت به آنها غبطه می خورد». به امام، اسم رسول و نبی اطلاق نمی گردد؛ برای اولیای خدا از مقام و مرتبه نبوت و رسالت معنوی، مسلکی قویم و مشربی عظیم است. [۳۸]. همچنین از سعدالدین حموی نقل می کند: «ان الاستعدادات کانت من زمن آدم الی اخر الزمان فی الترقی فیجب ان یکون امه نبینا خیراً من الامم الماضیه کما دل علیه قوله کنتم خیر امه اخرجت للناس». [۳۹]. بر این اساس می توان گفت در دوره ی آخر الزمان نیز نه تنها ولایت منقطع نیست که به جهت رشد دایره ی ولایات و

تجارب، ولایت ولی الله گسترده تر و عظیم تر است. این پیوستگی را از آیه ی «لکل قوم هاد» نیز می توان استفاده کرد. «فلا بد فی کل زمان من ولی قائم بحفظ القرآن عارف بر موزه و اسرار و لاشک ان الناس محتاجون فی کل زمان الی مایستکمل به نفوسهم من الحکمه و المعرفه والحاجه الی کتاب الله و آیاته مستمره الی یوم القیامه.» [۴۰]. حاجت مردم به کتاب و منبع وحی الهی، مستمر و همیشگی است و لذا وجود امام نیز همیشگی و دائمی باید باشد تا جواب گوی نیازهای عصری مردم باشد، پس به هر دوران ولیی، قائم است. تاکنون ادله ی عقلی و نقلی اصل «ضرورت و تداوم حجت» بررسی شد. ملاصدرا(ره) عقیده امامیه منبئ بر وجود امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را حق و مطابق با اصول و موازین برهانی و روایی می داند: «قد اتفقت الامامیه علی ان الامام فی زماننا هذا هو المهدی الموعود ظهوره فی آخر الزمان.» [۴۱]. امام زمان و مهدی منتظر، طبق عقیده شیعه امام حاضر و ناظر عصر ما است و ایمان به او شرط ایمان واقعی است و نمی توان بین اولیای الهی، تفریق نمود و به برخی ایمان آورد و به برخی دیگر کفر ورزید همان گونه که شعار یکتا پرستان این است که: «لانفرق بین احد من رسله» بر این اساس ادعای مدعیانی که قایل به یازده امام اند و منکر وجود حضرت مهدی اند، بی اساس است و نشانگر این نکته است که آنان ایمان واقعی ندارند و صرف لقلقه زبان است. «فمن امن ببعض دون بعض لیس ایمانه الا- مجرد الاقرار باللسان دون الضمیر والافلا- معنی للتفرقه، لانفرق بین احد منهم فکذلک یجب ان یكون الامر فی باب الائمة والاصیاء(علیهم السلام) من وجوب طاعه کلهم من غیر فرق.» [۴۲]. مهدی امام منتظر و وارث ولایت الهی است که با ظهور خود، جهان را پر از عدل و داد می کند و این وعده حتمی است که حتی اگر یک روز هم بیشتر نماند، تحقق خواهد یافت.

شبهات

اشاره

ملاصدرا(ره) بعد از تبیین اصل «ضرورت و تداوم حجت» در زندگی بشری و دفاع از مذهب بر حق امامیه، بعضی از شبهاتی را که دیگران بر این فرقه ناجیه، وارد کرده اند، مطرح کرده و به آنها پاسخ می دهد.

طول عمر حضرت

یکی از شبهاتی که مخالفان و منکران وجود اقدس حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) کراراً مطرح می کنند، مسأله طول عمر حضرت است و گاه متفکرانه می گویند: با اصول علمی و طبیی سازگار نیست که انسانی، عمری به این درازی داشته باشد؟ ملاصدرا(ره)، با طرح این شبهه، خود به پاسخ آن می پردازد. «واستبعاد اهل السنه من وجوده و بقاءه الی الین فی غایه السقوط.» از نظر وی اولاً، این شبهه علمی نیست و صرف استبعاد است: ثانیاً، وجود معمرین در دوره های گذشته، بهترین دلیل بر امکان طول عمر است: «اول دلیل علی امکان شیء وقوعه.» ثالثاً، ادله طبیی و نجومی موافق با طول عمر است. [۴۳]. در اینجا ملاصدرا(ره) به این نکته می پردازد که علت مرگ چیست و چرا یک انسان می میرد؟ وی می نویسد: دو نوع مرگ قابل تصور است: موت اخترامی و موت طبیعی. «موت اخترامی» محل بحث نیست، چون علت خارجی مرگ را ایجاد کرده است. امّا علت «موت طبیعی» چه می تواند باشد؟ گروهی گفته اند که اعتدال رطوبت نفس، علت حیات است؛ چون تمدد اعضا در صورتی است که اعضائین باشند. اما اگر این رطوبت به جفاف تبدیل شد، اعضا رشد و نمو ندارند: «فلا جرم یستمر النوم من اول الولاده الی رطوبت اخر الوقت الذی تصلبت الاعضا وجفت فحینئذ تقف النامیه» [۴۴]. و جفاف رطوبت بدن را علت موت طبیعی گفته اند. ملاصدرا این نظر را در باب علت موت طبیعی نمی پذیرد و آن را نقد می کند. از نظر وی، هر قوه ای از قوای بدنی غایتی دارند

که نهایت آن محسوب می‌شود. همین‌طور نفس انسانی قوه‌ای است که به فعلیت در می‌آید وقتی نفس به کمال فلسفی خود رسید - که اعم از شقاوت و سعادت است - و فعلیت یافت، از این نشأه و حیات منتقل به حیات دیگری می‌شود و موت طبیعی عارض می‌گردد. بر این اساس علت موت طبیعی، استکمال نفس است. «فالنفس الانسانیه اذا خرجت من القوه الی الفعل امیاً فی السعاده العقلیه الملکیه او فی الشقاوه الشیطانیه او السبعیه او البهیمیّه انتقلت عن هذه النشأه الی نشأه اخرى بالطبع و اذا ارتحلت عن البدن عرض الموت و هذا هو الاجل الطبيعي المشار الیه فی الكتاب الالهی (کل نفس ذائقه الموت) و هو غیر الاجال الاخر امیه التي تحصل بعروض الاسباب الاتفاقیه». [۴۵]. بر این اساس می‌توان گفت درباره حضرت مهدی - که محفوظ به حفظ الهی و پرده نشین غیبت و از آفات و بلیات مصون است - موت اخترامی صدق نمی‌کند. استکمال دائمی او نیز تا زمان ظهور و حیات، مانع از موت طبیعی اش هست و طول عمر آن حضرت هیچ مشکلی ندارد. البته نمی‌توان این را با بقیه اولیاء و انبیاء مقایسه کرد؛ چرا که آنها به موت اخترامی از دنیا رفته‌اند و روایت «اما منا الامسموم او مقتول» شاهد آن است.

فایده امام غایب

نکته دیگری که برخی به عنوان شبهه مطرح می‌کنند، این است که فایده امام غایب چیست؟ آیا غیبت مضرّ به منافع امام نیست؛ امام که دست مردم از دامان او کوتاه است، چه فایده‌ای دارد؟ ملاصدرا (ره) دو پاسخ دقیق به این شبهه می‌دهد. یکم. غرض اصلی از خلقت امام، هدایت رهبری مردم نیست که اگر این، محقق نشد امام فاقد فایده‌ی خود گردد؛ بلکه هدف از خلقت این موجودات اشرف، این است که آنان واسطه در فیض‌اند. غایت حقیقتی خلقت آنان، این است که وسایط در فیض‌اند و تعلیم و هدایت مردم و استکمال نوع بشر، هدف عارضی است که از قرار گرفتن آن وجودات در بین مردم، حاصل می‌شود. بر این اساس فرقی ندارد که امام ظاهر مشهور باشد یا خامل مستور، شناخت و تبعیت مردم، بر هدف حقیقی و واقعی امام اثری ندارد. شاید بتوان گفت: یکی از وجوه تشبیه امام غایب به خورشید پشت ابر، همین نکته است که بهره‌گیری مردم از نور خورشید، هدف عارضی است و نقش اصلی خورشید، ثبات و محور بودن کل منظومه شمسی است و ابر ضروری به این نقش نمی‌زند. «ومما یجب ان یعلم ان الغایه والغرض من وجود الامام لیس مجرد حصول الائتمام حتی لو فرض امام لم یرجع الیه احدٌ من الناس لقات الغرض من وجوده و کذا لو کان خاملاً مستوراً غیر ظاهر فانا قد اشرنا الی ان السبب والعلّه فی کون الارض لا تخلو عن حجه ماذا؟ فبذلک یندفع طعن جماعه من المخالفین علی الامامیه با نهم قائلون بوجود امام قائم حی مده مدیده من غیر ان یعرف شخصه و یهتدی بنور تعلیمه و ارشاده فما الفائده فی وجوده؟ و هذا لطن غیر وارد اصلاً فان الغایه الحقیقیه فی وجود شی‌اخر علی و ارفع من تعلم الناس منه و مع ذلک یلزم وجوده کونه بحیث یکون هدی للناس ان اهتدوا به و اما عدم اهتدائهم بنوره فلیس من جهته علیه السلام». [۴۶]. لازم است دانسته شود که غرض از وجود امام، صرف اطاعت‌پذیری مردم نیست که اگر آنها به امامی مراجعه نکردند یا امامی مستور بود، غرض وجودی او فوت شود. ما اشاره کردیم که چرا زمین نباید از حجت خالی باشد و به همان دلیل، اشکال و طعن مخالفان شیعه - که می‌گویند فایده امام غایب چیست - دفع می‌شود، غایت حقیقی و اصلی امام، چیزی غیر از اهتدا و تعلّم مردم است. البته در صورت خواست و اراده‌ی مردم، اهتدا حاصل می‌شود؛ اما هدایت مردم غرض عارضی وجود امام است. بر این اساس هدف خلقت امام، هدایت خلق نیست؛ چرا که «العالی لا یلتفت الی السافل» [۴۷] و «کون النبی والامام حجه للخلق عارضه له». این نتیجه‌ای است که ملاصدرا از حدیث معروف کمیل زیاد، استنباط می‌کند و می‌گوید: «ان هذا القائم بحجه الله لا یجب ان یکون ظاهراً مشهوراً کمولانا امیر المؤمنین فی ایام تمکنه من الخلافه الظاهره بل ربّما یکون خاملاً مستوراً کهو قبل ذلک الوقت و کاولاده المعصومین سیما القائم المنتظر (عج) امامنا الهادی». [۴۸]. خلاصه آنکه هدف اصلی امام، چیزی فراتر از هدایت مردم است و آن حفظ نظام هستی به وجود شریف او است و اگر مردم به امام مراجعه نکردند، غرض و فائده‌ی عارضی امام، تحت الشعاع قرار می‌گیرد و روشن است که حتی

علت این محرومیت هم خود مردم اند؛ نه اما: «امام عدم اهدائهم بنوره فلیس من جهته (علیه السلام)». [۴۹]. فایده اصلی امام غایب با امام حاضر، فرقی نمی‌کند و اصولاً این پرسش (فایده امام غایب چیست؟) حاکی از عدم درک صحیح، معنای حجت است. دوم. فواید امام منحصر و محصور به دیدن او نیست و فواید زیادی، بدون رویت او می‌تواند نصیب جامعه دینی گردد، معرفت امام و تصدیق به وجودش و اعتراف به خلافت الهی او، فواید کثیری را متوجه مؤمنان می‌کند و فایده منحصر در مشاهده ی او نیست. ما در تاریخ شاهدیم که کسانی در عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) بودند، وجود آن حضرت را تصدیق کردند، و به او ایمان آوردند و به مشاهده و زیارت آن حضرت نایل نشدند؛ امّا به درجات رفیعی از ایمان رسیدند، همچون اوّس قرنی که حضرت رسول را ندید؛ ولی با تصدیق و اعتراف به رسالتش، به فواید زیادی دست یافت. از این رو فایده امام، منحصر در مشاهده او نیست و امام غایب فایده دارد. «واسقط من ذلك تشفیعم علی الفرقه الامامیه بانّ ای ثمره فی وجود امام لایمکن التوصل الیه واخذ المسائل الدینیّه منه؟ فانّ مجرد المعرفه بامامته و ریاسته و التصدیق بوجوده و أنّه خلیفه الله فی ارضه ثمره ینتفع بها و لیست الفائده منحصره فی مشاهده اولاً- تری انّ من کان فی عهد النبی و صدّق بوجوده و رسالته کان مؤمناً حقاً وان لم یره مشاهده کاووس القرنی، فهكذا هیهنا» [۵۰].

پاورقی

[۱] ملاصدرا، شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۶ (موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی).

[۲] همان، ص ۵۰۷.

[۳] ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۳، ص ۱۵.

[۴] به نقل از: حواشی آیت الله حسن زاده آملی بر شرح منظومه سبزواری، ج ۲، ص ۴۳۱.

[۵] همان، ص ۴۳۱.

[۶] شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۲.

[۷] شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۳.

[۸] همان.

[۹] ملاصدرا، الاسفار، ج ۷، ص ۲۴۴.]

[۱۰] شرح اصول کفای، ج ۲، ص ۵۰۴.

[۱۱] به نظر می‌رسد ممکن اشرف که واسطه برای ایجاد اخس می‌شود باید حدوداً هم اشرف باشد، در حالی که نظر ملاصدرا این است که همه انسانها حدوداً مماثل اند؛ اما در بقا و استمرار به انواع مختلف تقسیم می‌گردند و نوع ائمه و انبیا در استمرار و بقا از بقیه انواع ممتاز می‌گردد لذا باز هم به نظر می‌رسد اشکال فوق وارد باشد. اما طبق نظر فخر رازی - که قایل به تعدد و تنوع انواع انسانی حدوداً می‌باشد و اصولاً انسان را حدوداً و بقاءً جنس می‌داند نه نوع - می‌توان این مشکل را حل نمود. (فخر رازی المطالب العایه، ج ۸).

[۱۲] حاشیه بر شرح منظومه سبزواری، ج ۲، ص ۷۳۰.

[۱۳] شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

[۱۴] همان.

[۱۵] همان، ص ۳۹۰.

[۱۶] حدید، آیه ۱۲۷.

[۱۷] ملاصدرا، تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۹۸.

[۱۸] شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۵.

[۱۹] تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۲۹۸.

[۲۰] همان، ص ۳۰۰.

[۲۱] همان.

[۲۲] شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۳.

[۲۳] شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۳.

[۲۴] علی عابدی شاهرودی، مقدمه بر شرح اصول کافی ملاصدرا.

[۲۵] کشف المراد.

[۲۶] نهج البلاغه.

[۲۷] شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۴۲۴.

[۲۸] همان، ص ۴۶۴.

[۲۹] همان، ص ۵۱۶.

[۳۰] همان، ص ۵۴۳.

[۳۱] همان، ص ۵۲۳.

[۳۲] اصول کافی، ج.

[۳۳] تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۳۰۲.

[۳۴] همان، ص ۳۰۱.

[۳۵] مقدمه بر شرح اصول کافی ملاصدرا، ص ۲۳.

[۳۶] شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۰.

[۳۷] همان.

[۳۸] ملاصدرا، الشواهد الربوبیه؛ مشهد پنجم؛ اشراق نهم.

[۳۹] شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۴۲۴.

[۴۰] همان، ص ۶۱۲.

[۴۱] همان، ص ۳۰۱.

[۴۲] همان، ص ۵۲۹.

[۴۳] تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۳۰۱.

[۴۴] الاسفار، ج ۸، ص ۹۷.

[۴۵] الاسفار، ج ۸، ص ۱۰۷.

[۴۶] شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۷.

[۴۷] شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۴۶۴.

[۴۸] تفسیر القرآن الکریم؛ ج ۶، ص ۳۰۰.

[۴۹] شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۷.

[۵۰] تغییر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۳۰۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

